



«بن» ها و تداوم بن بست ها در افغانستان

به دنبال پیگیری و جستجوی آخرین اخبار بودم . سایت آژانس رسمی دولت جمهوری اسلامی افغانستان (آژانس خبری باختر) را گشودم . قبل از همه بیرق انگلستان درین صفحه که بزرگتر از متن جلوه نمایی میکرد، توجه ام را بخود معطوف ساخت. در دلم گفتم ، باز چه نیرنگی در کار است؟ عنوانش برایم از همه جالبتر بود که با خط درشت چنین درج گردیده بود:

لوی درستیز بریتانیا: تثبیت موفقیت جنگ افغانستان به وقت بیشتر نیاز دارد.

و متن را به مرور گرفتم.

لوی درستیز بریتانیا میگوید که کشورش سر انجام بالای نقش خود در افغانستان افتخار خواهد کرد ولی به چند سال نیاز است تا موفقیت در این جنگ تثبیت گردد...

به گزارش آژانس باختر به نقل از رادیو لیبرتی، جنرال دیوید ریچارد در یک مصاحبه یی اعتراف کرد که اشتباهات تکتیکی در جنگ افغانستان صورت گرفته است، ولی از این جنگ انتظارات دارد و تاریخ، موفقیت این جنگ را قضاوت مثبت خواهد کرد...

لوی درستیز بریتانیا گفت که موفقیت در جنگ افغانستان امروز نه بلکه در سال **2020** معلوم خواهد شد.

موصوف همچنان ابراز داشت ما انتظار داریم که ده سال بعد خواهیم گفت این جنگ ضروری بود و با سربلند این جنگ را خاتمه دادیم.

خواندن چنین اظهاراتی، آنهم از زبان یک مقام بلند پایه ی انگریزی، اصلاً" برایم متعارف و در خور توقع هم بود. با خود خندیدم. البته این خنده سخت تلخ و آگنده از سوز و گداز و درد جانکاه بود .

بصورت غیر مترقبه ذهنم منهدم کننده حواشی مبرم استراتژیکی اواخر سالهای 1800 م که بنام « بازی بزرگ» (در شرقمیانه) رقم خورده بود، گردید.

"مستر لارد کارزن" (1) نماینده رسمی یا ویسرای کشور استعمارگر (بریتانیای بزرگ) در کشور مستعمره هند در سال 1898 اظهار داشت، که در آینده بازی بزرگی سخت بگرنج و پیچیده بخاطر موجودیت «طلای سیاه» در بحیره ی کسپین و آسیای میانه براه خواهد افتید. این بازی مثل بازی در تخته ی شطرنجی است که هرآنکس که بتواند باهنرمندی این بازی را موفقانه به نفع خویش اختتام بخشد، در آسیای میانه نفوذ خواهد داشت و جهان را رهبری خواهد کرد.



مستر لارد کارزن

آیا حواشی ده سال اخیرکشور و حضور نیروهای سنگین و آهنین به اصطلاح جامعه یء جهانی در کشور ما زیر نام شعارها و قیل و قال خطر تروریزم و بنیاد گرایی میتواند چیز دیگری تعبیر گردد؟؛ به جز اینکه نمایانگر تحقق اهداف پیشبینی شده آن مرد متفکر و دیپلمات کارکشته ی بریتانیای کبیر در هند بریتانوی (مستر لارد کارزن) بوده باشد؟

بینید آن سوراخ و سمبه های خطیری که جهان ما را به مخاطره انداخته است، امروز مثل آفتاب کلا" و کاملاً" روشن شده است. مرکز پرورش، تمویل و تجهیز تروریزم در پاکستان است؛ که الان مقامات رسمی پاکستانی بصورت لخت و عریان نیز به آن اذعان و اعتراف مینمایند.

آنچنانیکه بر نخبگان امور روشن بایست باشد، برنامه های متعارف استخبارات جهانی زیر نظر سیاستگذاران کانون توطئه های جهانی بصورت کوتاه مدت، میانه مدت و دراز مدت (5 - 10 .. 50 سال) زمان کاربرد داشته و مورد پیگیری قرار گرفته و محقق میشوند. در کادر « بازی شیطانی » که

فقط یکی از ابعاد و ذرایع بازی بزرگ مورد نظر لارد کرزن میباشد؛ ظهور تنظیم های جهادی کارنامه بزرگ استخبارات امپریالیستی بود، این احزاب در پاکستان به هفت تنظیم و در ایران به نه تنظیم پایه گذاری شد و این دو کشور در خدمتگذاری به این کانون سر تعظیم فرود آوردند.

بعد از سال 1992 ثمرهء این چند هیولای جهاد فی سبیل الله را در شهر کابل چیدند که پیامد آن جنگهای ویرانگر شهر سوز و آدمسوزی بود که تاریخ انسان و بشریت از ستم آن به گریه مینشیند. تنظیم های خود ساخته ی این استخباراتچی ها آنچنان به جان هم افتادند، که طی حاکمیت 4 ساله، از کشته ها پشته ها به جا ماندند و از شهر ها ویرانه ها.

تا اینکه ذهنیت عامه به گونه متفاوتی مسموم و ماؤف گردید و مانند کس به مرگ گرفته که به تب راضی میشود؛ آبستن شرایط ظهور بنیاد گراترین گروهکهای، بازهم خود بافته و پرداخته ی همین استخبارات ها گردید. چنانکه دران زمان مردم در شهر کابل که از ظلم و ستم گروهای تنظیمی به جان آمده بودند؛ میگفتند که: هرکسی که مییاید، اگر کافر باشد یا گبر یا یهود، بیاید تا کشور آرام شود.

دیگر شرایط برای هر نیرویی جز مجاهدین آماده شده بود. طبق برنامهء دقیق و سنجیده شده، نیروی ریزرفی ایکه از اوایل سالهای 1980 زیرتعلیم و تربیه ی نظامی مشترک سی آی ای و آی اس آی قرار داشت و آن زمان به این گروهک نو تشکیل " لشکر آزاد افغانستان " نام نهاده شده بودند، بعدا به " نام " تحریک طالبان "، کبوترهای صلح ... به حرکت آورده شدند و تمامی رادیو ها و رسانه های خبری بین المللی!(امپریالیزم اطلاعاتی) به ستودن و چاق کردن این گروهک لومپین و بربرآغاز کردند و از پیشروی آنها در تصرفات و فتوحات حیرت انگیز به داخل افغانستان با پخش اخبار هدایت شده و دارای کارکرد های روانشناسانه بصورت ماهرانه پشتیبانی نمودند.

تا آنکه کشور چند مرتبه دیگر هم به قهقرا برده شد و بالاخره غوغا های دیگر بالا گردید که مرکز و پناهگاه تروریسم بین المللی گردیده است. اینچنین دیگر دور اجیران و جنگنده های نیابتی مختومه اعلان شد و افغانستان در اشغال انتلاف جهانی امپریالیستی در آمد.

برای سرپوش گذاری بر حقایق و فریب افکار عامه افغانستان و جهان کنفرانس بن اول راه اندازی گردید و ده سال درامه ناشی از آن مداومت یافت . افتضاحات حضور ده ساله بیش از 150 هزارسرباز دندان مسلح خود 50 کشور به سرکردگی ایالات متحده اینک گویا کنفرانس بن 2 را لازمی کرده است .

ظاهرا کنفرانسی بنام بن دوم به ابتکار کشور آلمان در مرکز پیشین المان، همانطوریکه بن اول دران تدویر یافته بود امروز گشایش مییابد و آجندای اساسی آن را گویا تعهدات جامعه بین المللی و ادامه ی همیاری و کمک بعد از سال 2014 به حکومت مافیایی ، دست نشانده و مزدورافغانستان تشکیل میدهد. در حالیکه تعهدات بن اول تا هنوز به منصفی اجرا قرا داده نشده است.

ما بخوبی مشاهده کردیم که طی شش ماه اخیر اردوی پاکستان هزاران راکت به قرا و قصبات مختلف کشور مان پرتاب کرد. هیاتی غرض تحقیقات نیز عازم ولایت کنر شد. درین هیات نماینده ی به اصطلاح جامعه ی جهانی هم تشریف داشت و از کشور خانم شکریه بارکزی را خوب بخاطر دارم که او و همه بعد از جستجو و تحقیقات در محل اذعان داشتند که اردوی پاکستان عامل این همه راکت پراگنی ها بوده است.

پرسیدنی است که دولت افغانستان در راس اقای حامد کرزی که همه وقت گویا برای وطن و کشتار مردم مظلوم و بیگناه اشک تمساح میریزند و جامعه ی جهانی که نمیپذیرفت ازدوی پاکستان عامل این همه کشتار وراکت پراگنی ها است؛بعد از انجام این تحقیقات به چه واکنشی متوصل شدند؟

اما راکتباران پاکستان کارشناسان و سیاسیون امور را به این استنتاج رسانید که این فشار های نظامی برای این بوده است تا مردم مانرا بسان گوسفند رم دهند تا منجمله بخاطر «خطر پاکستان» به امضای موافقتنامه استراتیژیک فی مابین افغانستان و امریکا گردن نهند که چنین هم شد.

الان برنامه بعدی:

در حالیکه تعهدات بن اول که هنوز تا هنوز پا بر جا و لا اجرا باقی مانده است (محو تروریزم و مجازات حامیات تروریزم)؛ همایش بن دوم ماهیتا چالی برای ادامه و گسترش بحران در افغانستان و فراتر ازان

در منطقه خواهد بود و بس. اساساً میخواهند تا ذهنیت عامه ی جهان را از توجه یء اصلی تصمیم گیری برای حل اساسی سیاسی - نظامی و بحران در افغانستان و منطقه منحرف سازند.

من به اشک ریختن های تمساحوارانهء آقای کرزی بخاطر کشتار هزاران هموطنم می اندیشم و میبینم که این گریه ها چه دلک وار بوده است.

آقای حامد کرزی !

همین اکنون بهترین فرصتی است اگر شما منحیث یک وطنپرست بخواهید، میتوانید آجندای نشست بن را به سود منافع خود، کشور و مردم خویش تغییر دهید.

حکم جنرال اشفاق کیانی رئیس اردوی پاکستان (سوم دسامبر سال روان) را در کنفرانس بین المللی « بن دوم» قرائت نموده از شرکت کنندگان تقاضا نمائید، این پاکستان است که دیگر سیاست کاملاً رسمی را برای دفاع از تروریزم اتخاذ نموده است و از طریق همین جلسه به شورای امنیت ملل متحد پیشنهاد کنید تا طی تدویر جلسه ی اضطراری ، بالاخره حامیان اصلی تروریزم را که یکی از آنها دولت و اردوی تروریست پرور پاکستان است، مجازات نمایند!

اظهارات جنرال اشفاق کیانی چنانکه از طریق رادیو صدای امریکا به نشر رسیده ، قرار ذیل است:

قوماندان ارشد اردوی پاکستان به نیرو های خود امر نموده که اگر در آینده با حمله یی در امتداد سرحد با افغانستان مواجه شدند، بدون انتظار به دساتیر قوماندانان عالیرتبه، به جواب آن پردازند.

از آنجا که معنا و مصداق «**حمله در امتداد سرحد**» ؛ حمله به مراکز امن تروریست ها و مخفی گاه هایشان برای تمویل و تجهیز و صدورشان به افغانستان است ؛ این حکم برهنه ترین طرز حمایت از تروریست های مقیم و موجود در پاکستان بخصوص در نوار مرزی میباشد و بس !

خموشی در برابر چنین اظهارات جنایت بشری شمرده خواهد شد و پیامد این نشست نیز با خموشی و سیاست باجدهی به پاکستان جز ادامه جنگ های فرسایشی ده ها ساله دیگر در افغانستان، تعبیر و معنای دیگری نخواهد داشت.

ولی تقریباً تردیدی نیست که بن 2 هم صرف نظر از شعار های عوامفربانه ؛ اهداف مخفی کانون توطئه های جهانی را دنبال خواهد کرد ؛ اهداف قلدوران مسلط بر جهان امروز که در مبارزات اخیر ضد وال استریت تعریف جدید و رسای 1 فیصد را کسب نمود که در برابر 99 فیصد بشریت بصورت سازمانیافته، دسیسه میکند و جز منافع ابلیسی و فراحیوانی خویش، چه در افغانستان و چه در سایر حصص جهان، دنبال کردن مصلحت و منفعت دیگری را عملاً مد نظر ندارد .

زمان خیلی زود ثمرات ترفند بن 2 را هم برملا خواهد کرد .

یادداشت ضروری:

در کنفرانس بین المللی " بن دوم " از هیچیک احزاب و سازمانهای سیاسی داخل کشور دعوت نشده است. این در حالیست که ملا متوکل و ملاضعیف از یک هفته پیش در آلمان حضور یافته اند. چونان معلوم میشود که « زیر کاسه، نیم کاسه ای است».



British Ambassador Sir William Patey with ex-Talib Mullah Zaeef in the Iftar dinner at British Embassy.

سفیر بریتانیا آقای ویلیام پیتی با طالب ملا ضعیف در ضیافت افطاری شام، در سفارت بریتانیا

(1) :-

http://www.indianetzone.com/3/lord_curzon.htm